



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر

عنوان:

بررسی پیوندهای برون متنی آثار قطعی سلطان محمد

استاد راهنما: دکتر فرهاد ساسانی

استاد مشاور: دکتر اشرف موسوی لر

دانشجو: مریم کفایی فنایی پور

تیرماه ۸۹

چکیده:

ریشه مفهوم بینامتنیت و ارجاع‌های برون‌متنی در آثار ادبی و بلاغی قدیم قابل ردیابی است. اما زایش آن به صورت زمینه‌ای مستقل در بررسی متن‌های ادبی و سپس هنری پدیده‌ای به‌نسبت نوظهور در مطالعه زبان و هنر نیمه دوم قرن بیستم است. پرداختن به محتوا در کنار صورت و اهمیت‌دادن به عناصری که خارج از اثر به فرایند معناسازی کمک می‌کنند توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب کرده و به نظریه‌پردازی‌های متعددی انجامیده است. که در این پایان‌نامه، دیدگاه‌های دو تن از این پژوهش‌گران یعنی باختین و کریستوا مبنای بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته است. آنچه از دیدگاه‌های باختین و کریستوا برمی‌آید تاکید است که آن‌ها بر حیات فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک آفریننده و مخاطب متن و نیز بستر تاریخی خود متن دارند که همگی بر دریافت معنا تاثیرگذارند و در پی آن معنای متن را از حالت بسته خارج و در شبکه‌ای از روابط و معانی گسترده قرار می‌دهند. بر این مبنا نگاره‌های مرقوم سلطان محمد تبریزی مورد بررسی واقع شده است تا در خلال این بررسی نشان داده شود که متن‌ها هرگز خنثا نیستند بلکه منعکس‌کننده ارزش‌ها و اوضاع دائماً متغیر اجتماعی‌اند. بدین منظور، در فصل چهارم نگاره‌های او بررسی می‌شود. سرانجام آنچه از انواع ارجاع‌های برون-متنی به‌دست‌آمد در فصل نهمی در پنج طبقه دسته‌بندی شد که شامل ارجاع به ویژگی‌های عام نگارگری ایرانی؛ ارجاع به ویژگی مکتب‌ها و نگارگران هم‌عصر سلطان محمد؛ ارجاع به شعر یا داستان مربوط به نگاره؛ ارجاع به اوضاع سیاسی، اجتماعی زمانه و نیز خلاقیت فردی سلطان محمد می‌باشد. شایان ذکر است که در این میان بیش‌ترین سهم ارجاع، متعلق به شعر یا داستان مربوط به نگاره است.

فهرست

شماره صفحه	عنوان
۲	چکیده.....
	۱- فصل نخست
۹	۱-۱- مسأله پژوهش.....
۱۱	۲-۱- پرسش‌های پژوهش.....
۱۱	۳-۱- هدف‌های پژوهش و ضرورت آن‌ها.....
۱۱	۴-۱- فرضیه‌های پژوهش.....
۱۲	۵-۱- اطلاعات مربوط به روش‌شناسی پژوهش.....
۱۲	۶-۱- سازمان پژوهش.....
۱۳	۷-۱- محدودیت‌های پژوهش.....
	۲- فصل دوم: پیشینه پژوهش
۱۵	۱-۲- مقدمه.....
۱۶	۲-۲- مطالعات قدیم در بینامتنی.....
۱۶	۱-۲-۲- متون ادبی.....
۱۶	۱-۲-۲-۱- تلمیح.....
۱۸	۲-۲-۲-۱- تضمین.....
۱۸	۳-۲-۲-۱- سرقت ادبی.....
۲۰	۴-۲-۲-۱- ساختار روایتی تو در تو.....
۲۱	۲-۲-۲- متون دینی.....
۲۱	۱-۲-۲-۲- مقام و مقال.....

شماره	عنوان
صفحه	
۲۱ ۲-۲-۲-۲- تفسیر قرآن با قرآن
۲۲ ۳-۲- مطالعات معاصر درباره بینامتنیت
۲۲ ۱-۳-۲- مطالعات غیرفارسی
۲۳ ۱-۱-۳-۲- باختین
۲۴ ۲-۱-۳-۲- کریستوا
۲۵ ۳-۱-۳-۲- بارت
۲۷ ۴-۱-۳-۲- ژنت
۲۹ ۵-۱-۳-۲- ریفاتر
۲۹ ۶-۱-۳-۲- بلوم
۳۱ ۲-۳-۲- مطالعات به زبان فارسی
۳۱ ۱-۲-۳-۲- ساسانی
۳۳ ۲-۲-۳-۲- نامور مطلق
۳۵ ۳-۲-۳-۲- جاهدی
۳۶ ۴-۲-۳-۲- گیگاسری
۳۹ ۴-۲- مطالعات انجام شده درباره آثار سلطان محمد
۳۹ ۱-۴-۲- آژند
۴۰ ۲-۴-۲- نامور مطلق
۴۱ ۳-۴-۲- نیکی رشیدی
۴۲ ۴-۴-۲- خشخاشی
۴۲ ۵-۲- جمع بندی

شماره
صفحه

عنوان

۳- فصل سوم: مبانی نظری

۴۵ ۱-۳- مقدمه
۴۵ ۲-۳- باختین و گفت‌وگومندی
۴۶ ۱-۲-۳- عقاید
۴۶ ۱-۱-۲-۳- موضوع علوم انسانی
۴۷ ۲-۱-۲-۳- فاعل شناسا
۴۷ ۳-۱-۲-۳- ایدئولوژی
۴۸ ۴-۱-۲-۳- گفته
۵۰ ۵-۱-۲-۳- تقابل عامل فردی و عامل اجتماعی
۵۱ ۶-۱-۲-۳- صورت و محتوا
۵۳ ۷-۱-۲-۳- نظریه گفتار
۵۴ ۳-۳- کریستوا و بینامتنیت
۵۵ ۱-۳-۳- موجود/سوزه سخن‌گو
۵۶ ۲-۳-۳- فرآیند دلالتی، امر نمادین، امر نشانه‌ای
۵۷ ۳-۳-۳- بینامتنیت
۵۸ ۴-۳-۳- جایگشت
۵۹ ۴-۳- جمع‌بندی

۴- فصل چهارم: تجزیه و تحلیل

۶۲ ۱-۴- مقدمه
----	------------------

شماره صفحه	عنوان
۶۲	۲-۴- نقاشی ایرانی.....
۶۴	۳-۴- ویژگی‌های نگارگری ایرانی.....
۶۷	۴-۴- زمینه سیاسی- فرهنگی در دوران سلطان محمد.....
۷۱	۵-۴- تاریخ‌نگاری هنر ایران.....
۷۲	۶-۴- زندگی و آثار سلطان محمد در یک نگاه.....
۷۶	۷-۴- سبک سلطان محمد.....
۸۲	۱-۷-۴- مکتب ترکمان در یک نگاه.....
۸۲	۲-۷-۴- مکتب هرات در یک نگاه.....
۸۳	۱-۲-۷-۴- کمال الدین بهزاد.....
۸۴	۸-۴- تحلیل آثار.....
۸۵	۱-۸-۴- شاهنامه شاه تهماسبی.....
۸۵	۱-۱-۸-۴- دربار کیومرث.....
۹۸	۲-۸-۴- خمسه نظامی شاهی.....
۹۸	۱-۲-۸-۴- خسرو و آبتنی شیرین.....
۱۰۴	۲-۲-۸-۴- بهرام گور و شکار شیر.....
۱۰۹	۳-۸-۴- دیوان حافظ سام میرزا.....
۱۱۰	۱-۳-۸-۴- مستی لاهوتی و ناسوتی.....
۱۱۶	۲-۳-۸-۴- جشن عید.....
	۵- فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۲۶	۱-۵- مقدمه.....

شماره	عنوان
صفحه	
۱۲۸	۵-۲- نتایج پژوهش.....
۱۳۱	۵-۳- پیشنهاد تحقیق.....
۱۳۳	منابع.....
۱۳۸	چکیده انگلیسی.....

فصل نخست:

مسأله پژوهش

۱-۱- مسأله پژوهش

درک و دریافت روابط میان عناصر درون متن با بیرون متن اعم از محیط و بافت بیرون، مخاطب، اجتماع و فرهنگ، به شکل‌گیری معنای کلی متن منتج می‌شود که فراتر از برآیند معنای تک‌تک عناصر درون متن و ساختار درونی آن است. به عبارت دیگر مخاطب با یافتن این پیوندهاست که از مطالعه ساختاری قدم فراتر گذاشته و به درک محتوا نائل می‌شود. و این همه تلاشی است در جهت فرایند معناسازی متنی که مخاطب با آن مواجه شده است. البته شایان ذکر است که منظور از متن نه در این پایان‌نامه و نه حتی در نگاه پژوهش‌گران، متن کلامی و زبانی نیست بلکه متن به معنای عام آن خواهد بود. یعنی هر سازه‌ای که مورد تحلیل نشانه‌شناختی قرار بگیرد. بنابراین نقاشی، تصویر، موسیقی و رقص نیز هر یک متنی قلمداد می‌شوند که می‌توانند مورد تحلیل نشانه‌شناختی قرار گیرند.

در رابطه با ارجاع‌های برون‌متنی، رویکردها و دسته‌بندی‌های متفاوتی مطرح شده است که ریشه آن در آثار ادبی و بلاغی قدیم قابل ردیابی است. اما زایش آن به صورت زمینه‌ای مستقل در بررسی متن‌های ادبی و سپس هنری پدیده‌ای به نسبت نوظهور در مطالعه زبان و هنر نیمه دوم قرن بیستم است. این پژوهش با تکیه بر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان این حوزه چون باختین^۱ و کریستوا^۲، به بررسی نگاره‌های مرقوم سلطان محمد تبریزی، خواهد پرداخت.

باختین بررسی ساختاری صرف برای دستیابی به معنی اثر را به منزله جست‌وجوی یافتن کل در جزء می‌داند و آن را ناقص می‌شمارد. او معتقد است که در واقع آنچه «هنری» است در کلیت خود نه در شیء سکنا دارد و نه در روان آفریننده به طور مستقل و مجزا، نه حتی در ذهن نگرنده. آن چه «هنری» است مشتمل بر همه این‌هاست. او با افزودن دو بعد «فاعل شناسا» و «ایدئولوژی» به مفهوم زبان حوزه‌ای به نام فرازبان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. منظور

1 - Mikhail Bakhtin

2 - Julia Kristeva

او از ایدئولوژی مجموعه بازتابها و انعکاس‌های واقعیات اجتماعی و طبیعی است که در مغز انسان حفظ می‌شوند و مغز آنها را از طریق کلمات، ترسیم‌ها و خطوط، و هر شکل دلالت‌گر دیگر بیان می‌کند و ثبات می‌بخشد. کریستوا، نیز با بازخوانی عقاید باختین و خلق عنوان بینامتنیت برای مفهومی که عمدتاً از افکار او سرچشمه می‌گرفت، به مفهوم مدلول‌های متکثر پرداخت و مطرح کرد که در تولید هر متنی عوامل چندگانه‌ای دخالت دارند که موجب پویایی متن و رهایی آن از یک معنای بسته می‌شوند. آنچه از دیدگاه‌های باختین و کریستوا حاصل می‌آید تأکیدی است که آنها بر حیات فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک آفریننده و مخاطب متن و نیز بستر تاریخی خود متن دارند که همگی بر دریافت معنا تاثیرگذارند و در پی آن معنای متن را از حالت بسته خارج و در شبکه‌ای از روابط و معانی گسترده قرار می‌دهند.

سلطان محمد از نگارگران برجسته در قرن دهم هجری است. او با بهره‌گیری از دستاوردهای هنری کارگاه‌های هنری ترکمانان و تیموریان، به عنوان بنیان‌گذار مکتب تبریز صفوی شناخته شده است. منابع دوره صفوی از او به عنوان هنرمندی چیره دست با طبعی لطیف و تخیلی بفرنج و پیچیده و بداعت قلم و رنگ‌بندی منفرد و در یک کلام مصور بی‌قرینه یاد می‌کنند. سلطان محمد از اهالی تبریز بوده و مراحل نخستین زندگی هنری خود را در دربار سلطان یعقوب آق قویونلو گذرانده است. پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل در تبریز، سلطان محمد که در مرحله پختگی هنر خود بوده در صدر کارگاه هنری شاه اسماعیل قرار می‌گیرد. او در این زمان و نیز در زمان سلطنت شاه تهماسب در چندین پروژه هنری شرکت می‌کند. از میان این آثار می‌توان به **شاهنامه** شاه تهماسبی، **خمسه** نظامی شاهی و **دیوان** حافظ سام میرزا اشاره کرد.

با توجه به مطالب فوق مسأله مورد بررسی در این پژوهش، تجزیه و تحلیل آثار مرقوم سلطان محمد به‌منظور یافتن و نیز طبقه‌بندی انواع پیوندهای برون‌متنی آنها است تا در خلال

این بررسی نشان دهیم که متن‌ها هرگز خنثا نیستند بلکه منعکس‌کننده ارزش‌ها و اوضاع دائمی متغیر اجتماعی‌اند. بدین ترتیب متن‌ها در شبکه‌ای از روابط قرار می‌گیرند که سوژه، گیرنده و بافت در فرایند معناسازی آن دخیل‌اند.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش خواهد شد به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- پیوندهای برون‌متنی آثار مرقوم سلطان محمد با شعر یا داستان اصلی چگونه است؟
- ۲- پیوندهای برون‌متنی نگاره با شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه چگونه است؟

۱-۳- هدف‌های پژوهش و ضرورت آن‌ها

در فرایند درک معنا از متن اعم از کلامی و غیرکلامی، مطالعه ساختار صوری و محتوا هر دو دخیل‌اند. هدف از این پژوهش فرارفتن از مطالعه صوری نگاره‌ها و پرداختن به محتوای آنان است تا بدین ترتیب لذت درک معنا بر مخاطب تکمیل شود. بدین منظور از بررسی پیوندهای برون‌متنی به عنوان روشی پژوهشی و دریچه‌ای نو بر شناخت نگارگری ایران استفاده می‌شود. تا بتوان به معیاری کاربردی جهت تحلیل نگاره‌ها دست یافت. و آنچه حاصل خواهد شد میزان پای‌بندی نگارگر به شعر یا داستان اصلی و نیز شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های میان نشانه‌های تصویری و نشانه‌های زبانی خواهد بود.

۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

۱- به دلیل ارتباط نگاره‌ها با کلام (شعر یا داستان اصلی) احتمالاً بیش‌تر عناصر تصویری در نگاره عناصری هستند که در کلام قابل دریافت است. و عناصری که در ارتباط با کلام نیستند

ممکن است در جهت وفاداری به آن نبوده و معنی‌های ضمنی دیگری داشته باشند که مد نظر نگارگر بوده است.

۲- پیوند نگارگر و در نتیجه نگاره با شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی می‌تواند موجب عدم انطباق نگاره با شعر یا داستان اصلی باشد.

۱-۵- اطلاعات مربوط به روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش پنج نگاره از آثار سلطان محمد تبریزی را که در بردارنده امضای اوست، از نظر ارجاع‌های برون‌متنی مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ روش گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای، منابع مکتوب و تصویری است و از شیوه استدلال، نشانه و معیار یابی به منظور ارزیابی فرضیه استفاده می‌شود.

۱-۶- سازمان پژوهش

این پایان‌نامه در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول به چارچوب پژوهش پرداخته و درباره موضوع پژوهش، پرسش‌های مطرح‌شده، هدف‌ها و ضرورت‌ها، فرضیه‌های پژوهش، سازمان آن و در آخر محدودیت‌های پیش رو اطلاعاتی به دست می‌دهد. در فصل دوم به پیشینه مختصری از مطالعات انجام‌شده توسط پژوهش‌گران مختلف در حوزه بینامتنیت پرداخته و در آخر نیز پیشینه مطالعات انجام‌شده در رابطه با آثار سلطان محمد تبریزی ارائه خواهد شد. فصل سوم به مبانی نظری پرداخته و نظریه‌های محوری درباره بینامتنیت، با تاکید بر دیدگاه‌های باختین و کریستوا و مفاهیم بیان‌شده توسط آن‌ها، بررسی خواهد شد. سپس در فصل چهارم، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در ملاحظات نظری، پنج نگاره مرقوم از سلطان

محمد تبریزی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و پیوندهایشان با شعر یا داستان اصلی، بستر تاریخی و نیز شرایط فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک آفریننده بررسی خواهد شد. در فصل پنجم نیز نتایج حاصل از پژوهش، در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، ارائه خواهد شد. علاوه بر این، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی پیش روی گذاشته خواهد شد.

۱-۷- محدودیت‌های پژوهش

از عمده‌ترین محدودیت‌هایی که در این نوع پژوهش بروز می‌کند و در واقع از ویژگی‌های ذاتی تحلیل بینامتنی و یافتن پیوندهای برون‌متنی محسوب می‌شود، دامن‌های اطلاعاتی و یا آگاهی مخاطبی است که با متن مواجه می‌شود. به عبارت دیگر مخاطب هیچ‌گاه نمی‌تواند کاملاً در بستر تاریخی، اجتماعی و یا در جایگاه آفریننده متن قرار گیرد. بنابراین فرایند دریافت معنا از متن محدود به اطلاعات مخاطب است و حتی شرایط فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیک او می‌تواند در فرایند معناسازی دخیل باشد. و بدین‌گونه است که متن در شبکه‌ای از روابط و معانی گسترده قرار می‌گیرد.

محدودیت پیش روی در این پژوهش، عدم دسترسی به اصل نگاره‌ها و بررسی آن‌ها در نسخه‌های خطی مربوطه بود چراکه جزییات فراوان نگاره‌ها و نیز محل قرارگرفتن‌شان در اصل نسخه‌ها، خود به درک معنا کمک می‌کند.

فصل دوم:

پیشینه پژوهش

۲-۱- مقدمه

در فرایند معناسازی متن آن چه که بسیار حائز اهمیت است یافتن پیوندهای آن متن با متن‌های دیگر است. به عبارتی گاه بدون دریافتن این ارجاع‌های برون‌متنی نمی‌توان به درک درستی از متن نائل آمد. درک و دریافت روابط میان عناصر درون متن با بیرون متن اعم از محیط و بافت بیرون، مخاطب، اجتماع و فرهنگ به شکل‌گیری معنای کلی متن منتج می‌شود که فراتر از برآیند معنای تک تک عناصر درون متن و ساختار درونی آن است. در رابطه با ارجاع‌های برون‌متنی، رویکردها و دسته‌بندی‌های متفاوتی مطرح شده است. در این فصل، مطالعات بینامتنی به دو بخش مطالعات قدیم و مطالعات معاصر تقسیم‌بندی شده است چرا که این اصطلاح معاصر با نام‌های مختلف در مطالعات گوناگونی که به نوعی با متن سروکار داشته، ظاهر شده است. از جمله می‌توان رد پای آن را در ادبیات پارسی و تفسیر متون دینی ریشه‌یابی کرد. در بخش مطالعات معاصر رویکرد نظریه‌پردازان اغلب اروپایی بینامتنیت از جمله باختین^۱، کریستوا^۲، بارت^۳، ژنت^۴، ریفاتر^۵ و بلوم^۶ مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آن جایی که در این پایان‌نامه از نظریه‌های باختین و کریستوا بیشتر بهره گرفته می‌شود، دیدگاه آنان در فصل سوم کامل‌تر بیان خواهد شد. در بخش مطالعات فارسی بینامتنیت، حاصل کار پژوهش‌گران ایرانی در این ارتباط و نیز کاربرد آن در نقد و بررسی متون هنری آمده است. در بخش آخر نیز مطالعات انجام‌شده درباره سلطان محمد تبریزی به اختصار آمده است.

1- Mikhail Bakhtin
2- Julia Kristeva
3- Roland Barthes
4- Gerard Genette
5- Michael Riffaterre
6- Harold Bloom

۲-۲- مطالعات قدیم در بینامتنی

اصطلاح «بینامتنیت» در قرن حاضر و مشخصاً توسط کریستوا وضع شده است. اما همان‌گونه که ساسانی (۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۸۴) اشاره کرده است، مفهوم بینامتنیت مفهومی متأخر نبوده و به یک‌باره و به صورت اندیشه‌ای کاملاً نو پدیدار نشده است. تفکر ارجاع‌های بینامتنی از مدت‌ها پیش با نام‌های متفاوت در مطالعات ادبی زبان پارسی و تفسیر قرآن و متون دینی مورد استفاده بوده است. از میان این مطالعات و روش‌ها به بعضی از انواع در متون ادبی و بعضی دیگر در متون مذهبی اشاره می‌کنیم.

۲-۲-۱- متون ادبی

در متن‌های ادبی می‌توان از تلمیح، تضمین، انواع سرقت‌های ادبی و نیز ساختارهای روایتی تودرتو به عنوان ارجاع‌های برون‌متنی یاد کرد که شرح آن در پی خواهد آمد.

۲-۲-۱-۱- تلمیح

عباسپور (۱۳۷۶: ۴۰۳-۴۰۴) تلمیح را در لغت به معنای اشاره کردن و در اصطلاح بدیع به معنی قصه، شعر یا مثل و نیز اشاره به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم می‌داند. او تلمیحات را به دو دسته ایرانی و اسلامی تقسیم می‌کند. تلمیحات ایرانی غالباً اشاره به اسطوره‌ها و باورهای قومی در میتراپاوری، آیین زرتشت و مانویت بوده و تلمیحات اسلامی نشانه نفوذ فرهنگ اسلامی در ایران بود که به صورت اشاره به قصه‌های قرآن و روایت‌ها را نشان داده است. از آن‌جا که تلمیح موجد ایجاز و کمینه‌نگاری در ساختار گفتار است، باعث تداوم معنای کلام شاعر یا نویسنده در ذهن شنونده یا خواننده می‌شود و تنوع تفسیری را در پی دارد.

همایی (۱۳۷۰، به نقل از ساسانی ۱۳۸۴: ۴۰-۴۲) می‌آورد: «تلمیح یعنی به گوشه چشم اشاره کردن؛ و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثل یا آیه و یا حدیثی معروف اشاره کند.» به عنوان مثال:

یارب این آتش که در جان من است سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

در این بیت اشاره به موقعیت موجود و ایجاد ارتباط بین این متن و داستان ابراهیم پیامبر(ع) که می‌توان به عنوان متنی مقدم بر متن موجود با آن برخورد کرد نوعی ارجاع بینامتنی است که در ادبیات کلاسیک با عنوان تلمیح شناخته می‌شود.

داد (۱۳۷۵: ۸۶-۸۷) اشاره می‌کند که منتقدان غربی چهار نوع تلمیح را در نظر می‌-

گیرند:

- اشاره به اشخاص و حوادث
- اشاره به زندگی شخصی یا نام خود گوینده (که در بلاغت فارسی استشهاد خوانده می‌شود)
- تلمیح استعاری
- تلمیح تقلیدی

شمیسا (۱۳۷۵: ۸) در تقسیم بندی تلمیحات، آن‌ها را به سه دسته ایرانی و سامی و جز این‌ها (یونانی و هندی) تقسیم می‌کند، که هر کدام از آن‌ها را می‌توان به لحاظ غنایی و حماسی نیز تقسیم کرد. پس از آن تلمیحات سامی خود به دو نوع اسلامی و عربی تقسیم می‌شود که تلمیحات سامی عربی ذکر رجال دوره جاهلیت است و تلمیحات سامی اسلامی به رجال اسلام، تفسیر قرآن و یا تاریخ پیامبران قوم یهود می‌پردازد، در حالی که تلمیحات یونانی و هندی مربوط به رجال علم است.

دهخدا (۱۳۷۷: ۶۹۴۷) به نقل از جرجانی می آورد تلمیح اشاره کردن به قصه یا شعر در فحوای کلام بدون تصریح است و اضافه می کند که نزد بلاغت شناسان عبارت است از این که در اثناء سخن به سوی افسانه ای یا شعری یا مثلی دیگر اشاره شود بدون آن که از ویژگی های آن ها ذکری به میان آید.

۲-۲-۱-۲- تضمین

داد (۱۳۷۵: ۷۹) تضمین را به معنی آوردن یک مصراع یا بیت یا بیت هایی از شعر دیگران در شعر خود می داند. اگر شاعر و شعر مشهور باشد، نیازی به ذکر نام او نیست و گرنه باید نام شاعر را ذکر کرد. نوع دیگر تضمین آن است که شعری بسرایند و در آخر بند آن، یک یا دو مصرع از شاعر دیگری تضمین کنند.

سعیدیان (۱۳۷۴: ۵۰۳) نیز در این خصوص همین معنی را کمابیش ارائه می دهد: «هرگاه شاعر بیتی یا مصراعی از شعر شاعری دیگر را در شعر خویش آورد، آن را تضمین گویند.»

۲-۲-۱-۳- سرقت ادبی

شفیعی کدکنی (۱۳۵۸: ۲۰۶) در خصوص سرقت ادبی عقیده دارد در شعر فارسی، مسأله سرقات کم تر مورد بحث قرار گرفته ولی وسیع ترین حوزه سرقت های شعری، حوزه تصویرها و صور خیال است، یعنی در حوزه تصویرها که به زعم او حوزه افقی خیال محسوب می شود. این امر در طول تاریخ ادب فارسی به حدی می رسد که هر کلمه ای، به خصوص قافیه ها، تصویرهای کلیشه شده خود را به همراه می آورد. او در ادامه می آورد که در مطالعه شعر فارسی دو گونه صور خیال به چشم می خورد:

نخست تصویرهایی که از جنبه ابداعی و ابتکاری آن زمانی گذشته و می‌تواند به عنوان لغت و ترکیب لغوی غیرشعری مورد بررسی قرارگیرد و دوم خیال‌هایی که کمابیش ساخته ذهن و نیروی تخیل شاعر است و در آن‌ها می‌توان خصایص مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی و اقلیمی شاعر را جست و جو کرد.

همایی (۱۳۷۰: ۳۲۸) سرقت ادبی را به پنج نوع اصلی تقسیم می‌کند:

- نسخ: که عبارت است از آوردن نوشته یا گفته کسی عیناً بدون هیچ گونه تغییری و نسبت آن به خود.
- مسخ، اغاره: آن است که اثر را با حفظ معنی بردارند و تقدم و تأخر در واژه‌های ربط، عبارت‌ها و ... در آن صورت دهند.
- سلخ، الهام: فکر و مضمون نظم را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگر بریزند بدون تغییر موضوع.
- نقل: گفته یا نوشته دیگر را از لفظ و معنی یا معنی و مضمون تنها بگیرند و موضوع آن را تغییر دهند چنان‌که سخن منظوم را از باب درج به هجا و از وصف و حماسه به غزل و از شکر به شکایت و از تعزیت به تهنیت یا برعکس نقل کنند یا نوشته ای را که کسی در تحقیق حال یکی از شاعران و عارفان نوشته است، بردارند و آن را در ترجمه حال شاعر و عارف دیگر بنویسند.
- دزدی بی‌برگه و بی‌نام‌ونشان: شخص محقق مطلبی را در کتاب یا مقاله خود می‌نویسد و برای آن‌که نوشته خود را مستدل و مستدل کند، مأخذ و سند نوشته خود را هم در حاشیه یا ذکر صفحه و سطر و دیگر خصوصیات نسخه به دست می‌دهد، غافل از این که کسی نوشته او را انتحال می‌کند و به جای این‌که از مؤلف کتاب و

نویسنده مقاله نام برد، مأخذ او را سند کار خود قرار می‌دهد در حالی که شاید اصلاً آن مأخذ را ندیده و نخوانده باشد.

داد (۱۳۷۱: ۶۹) در خصوص سرقت ادبی به موضوع جالبی اشاره می‌کند. او به نقل از گوته می‌آورد همه هنرها با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند؛ یعنی یکی از دیگری اقتباس شده، یا آن را به شکل متفاوتی عرضه کرده است بنا به عقیده گوته: «نویسندگان و شعرای برجسته توفیق و عظمت خود را همواره مرهون بهره‌هایی هستند که از پیشینیان خود گرفته‌اند، اینان به یکباره از زمین سر در نیاورده‌اند بلکه ریشه در اعصار کهن و بهترین‌هایی دارند که پیش از آن‌ها انجام یافته است.»

ربیعان (به نقل از ساسانی ۱۳۸۳: ۱۷۸) نیز سرقت ادبی را «انواع عاریت‌ها و اقتباس‌های شاعران و نویسندگان از یکدیگر» می‌داند. توجه به اقتباس‌ها و شباهت‌های میان آثار شاعران و نویسندگان در تاریخ ادبیات جهان سابقه دیرینی دارد و در تاریخ ادبیات عرب و ایران نیز به این مسأله توجه زیادی شده است. ابوالحسن علی ابن عبدالعزیز معروف به قاضی جرجانی بر این باور بود که برخی تعبیرها و معناها بین همه مردم مشترک است و این قبیل اشتراک‌ها را نباید از مقوله سرقت به شمار آورد.

۲-۱-۴- ساختار روایتی تو در تو

می‌توان از اندیشمندان دیگری نیز نام برد که اساساً مبنای شیوه داستان نویسی ایرانی و به شکلی عام‌تر، شرقی را دُوری یا به تعبیری بینامتنی می‌دانند. ناصرایرانی (به نقل از ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۶) ساختار ادبی قرآن را «ساختار آفتاب‌گونه» می‌نامد؛ چنان که قصد یا اندیشه‌ای مرکزی به صورت پنهان یا آشکار وجود دارد و پیرامون آن موارد زیادی قصد یا اندیشه پیرامونی بیان می‌شود. بنابراین می‌توان گفت نوع ساختار به خودی خود بینامتنی است.